

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: برتولت برشت
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۲۳ سپتمبر ۲۰۱۹

اهمیت موافق بودن- ۳

نمایشنامه آموزشی بادن- بادن- ۱۹۳۰

با اعلام نافرمانی مدنی از قوانین و موازین کپی رایت برای ترجمه آثار به زبان فارسی و انتشار آزاد و رایگان در اینترنت.



نمایشنامه آموزشی، صحنه دلقکها، بادن بادن ۱۹۲۹

درباره نمایشنامه آموزشی

«اهمیت موافق بودن»

حمید محوی

پیشگفتار

پیش از این همراه با نمایشنامه «پرواز بر فراز اقیانوس» بخشی از کار پژوهشی ام را که در اکتوبر ۱۹۹۳ در دانشگاه پاریس ۸ نوشته بودم به فارسی ترجمه و منتشر کردم، در اینجا نیز بخش دیگری از همان متن را که به بررسی نمایشنامه «اهمیت موافق بودن» مربوط می شود به انضمام مطالب دیگر منتشر می کنم.

در ادامه توضیحات خودم درباره نمایشنامه آموزشی «اهمیت موافق بودن» به دو نکته اشاره خواهم داشت، ابتداء درباره تیتز نمایشنامه آموزشی «پرواز بر فراز اقیانوس»، و سپس به نکاتی چند درباره مقاله ای زیر عنوان «بن مایه های دینی در نمایشنامه های آموزشی برتولت برشت»^۱ نوشته هانس تی یس لهما استاد مطالعات دراماتیک در المان خواهم پرداخت که حسن پیر نجم الدین آن را به فارسی ترجمه کرده است. علاوه بر این برای گسترش همین بحث و در عین حال در پاسخ به ترجمه حسن پیر نجم الدین، من نیز دو بخش از یک پژوهش دانشگاهی زیر عنوان «سیر تحول سیاسی برتولت برشت از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۳» نوشته پژوهشگر فرانسوی فرد فیشباک^۲ را به فارسی ترجمه کرده و ضمیمه می کنم. البته این بخشهای ترجمه شده به فارسی در اینجا تنها برای پاسخ به نظریات هانس تی یس لهما نیست بلکه برای گسترش بحث درباره نمایشنامه های آموزشی خیلی مفید خواهد بود به ویژه به این علت که فیشباک به منابع و آرشیو برتولت برشت به زبان المانی دسترسی داشته و از نایاب ترین بررسی ها درباره برتولت برشت به زبان فرانسه است.

دیالکتیک پیروزی فنی و شکست فنی^۳

برشت کمی بعد از «پرواز بر فراز اقیانوس»، دومین نمایشنامه آموزشی را با همان مضمون به نگارش درآورد: «اهمیت موافق بودن». این نمایشنامه شامل ۱۱ بخش و هر بخش مانند نمایشنامه پیشین تیتز مشخصی دارد. بر اساس بررسی اون^۴: «به تاریخ ۲۸ جولای ۱۹۲۹ در بادن بادن بر اساس یک قطعه آهنگ از پل هاندمیت^۵ به روی صحنه آمد، ابتداء با همان مضمون نمایشنامه پیشین، ولی با لحن خیلی متفاوت که از بسیاری جهات شگفت آور بود. نمایشنامه مسأله بسیار حساسی را مطرح می کند: چهار هوانورد، یک خلبان و سه مکانیسین در تلاش برای عبور از اقیانوس اطلس سقوط می کنند. آنان به کمک نیازمندند و در خطر مرگ به سر می برند. درخواست می کنند که برایشان آب و بالشت بیاورند.

در اینجا، درخواست کمک در جایگاه موضوعی فلسفی به شکل نمادینه به حالت تعلیق در می آید. آیا به کمک آنان پاسخ خواهند گفت، آری یا نه؟ این پرسشی ست که گروه سرایندهگان مطرح می کند.

در نخستین نمایشنامه آموزشی، اگر موضوع به تجلیل از پیروزی فنی یا پیروزی انسان بر طبیعت مربوط می شد، این بار موضوع به سقوط هواپیما یعنی یک شکست فنی و نتایج آن برای انسانها مطرح می شود.

آنانی که آثار برتولت برشت را مورد بررسی قرار داده اند غالباً به این موضوع توجه نشان داده اند که چگونه هنرمند، برتولت برشت باورهای سیاسی و اجتماعی خود را در آثارش منعکس می کند. ابتداء شیفتگی در برابر پیشرفتهای فنی

^۱ این مقاله را می توانید با استفاده از عنوان آن در گوگل از پرتال جامع علوم انسانی دانلود کنید

^۲ Fred Fischbach. L'Evolution politique de Bertolt Brecht de 1913 à 1933. PUL. 1976. P.162. Note 136
فرد فیشباک. سیر تحول سیاسی برتولت برشت از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۳. انتشارات دانشگاهی لیل.

^۳ برگرفته از «نمایشنامه آموزشی. برتولت برشت/هاینر مولر. حمید محوی. دانشگاه پاریس ۸، به مدیریت فیلیپ ایورنل. اکتبر ۱۹۹۳

^۴ Frédéric Ewen. Bertolt Brecht – Sa vie, son art, son temps, seuil 1989.

^۵ Paul Hindemith

و سپس آرزومندی برای پیشرفتهای بیشتر، ولی در عین حال آنچه در «اهمیت موافق بودن» زیر سؤال می رود، مناسبات بین فرد و جامعه است. پیشرفت فنی باید در خدمت همگان قرار گیرد، و برای پاسخگویی به نیازهای جمعی و نه هرگز برای نفع شخصی.

درباره نمایشنامه آموزشی در جایگاه الگو

و اشتباه آموزنده فدریک اون

نتیجه گیری فدریک اون⁶ درباره این نمایشنامه آموزنده است، به این علت که حاوی اشتباهی است که می تواند عمومیت داشته باشد، او می گوید :

«در پارادایمی که برشت به ما عرضه می کند، در جهان ما شخصیت یک عنصر بی فایده معرفی می شود. ولی اثبات این امر تا جایی پیش می رود که کوچکترین کمک به انسانی که نیازمند آن است، به این دلیل که فردگرا بوده، ممنوع اعلام می شود... برشت درک نکرده بود که آنچه حائز اهمیت است، از بین رفتن «من» نیست بلکه از بین رفتن برخی اشکال «من» است، و راه حل نهایی در اعتلاء و گسترش «من» تا دست یابی به نقطه ای است که بتواند به ضرورت تشکیل مناسبات سازنده با «من» های دیگر را درک کند.»

چنین تعبیری از رویکرد برشت به این دلیل است که فدریک اون نمایشنامه آموزشی را در جایگاه الگو ندیده می گیرد، به ویژه از این رو که متن نمایشنامه یک داده دائمی و کاملاً مشخص نیست. برتولت برشت خلاف آنچه فدریک اون می گوید، موضوع را دریافته و مشخصاً «من جامعه گریز» را هدف می گیرد.

موضوع مدد رسانی

در جهان واقعی، وقتی هواپیمائی سقوط می کند، فوراً امداد با تجهیزات در محل سانحه حاضر می شود و از بازماندگان سانحه نمی پرسند شما به چه هدفی سوار این هواپیما شدید. نمایشنامه آموزشی از دیدگاه برشت این فرصت را فراهم می آورد تا به شکل نمادینه پدیده مدد رسانی در وضعیت کلی زیر سؤال برود. در اینجا گروه بازیگران در جایگاه پژوهشگر اجتماعی روی موضوع مدد رسانی از طریق متن و فراسوی متن آن را به عنوان موضوع مرکزی خودشان انتخاب می کنند.

یادآوری می کنیم که موضوع مدد رسانی، آیا انسان یار انسان است، در سومین نمایشنامه آموزشی نیز مطرح می شود، به گونه ای که می توانیم «اهمیت موافق بودن» را پیش زمینه یا پیشگفتاری بر آن تلقی کنیم. با این وجود همین موضوع در نمایشنامه آموزشی «استثناء و قاعده» به شکل عمیقتری مطرح می شود.

درباره تیتز نمایشنامه آموزشی «پرواز بر فراز اقیانوس»

برای تکمیل توضیحاتم درباره «پرواز بر فراز اقیانوس» مطلبی را درباره تیتز آن باید اضافه کنم یعنی تیتز نخستین نمایشنامه آموزشی که پیش از این منتشر کردم. تیتز این نمایشنامه به نام خلبانی که با هواپیمایش اقیانوس اطلس را پیموده بود، برای جشنواره موسیقی بادن بادن جولای ۱۹۲۹ «پرواز لیندبرگ ها» (لیندبرگ به شکل جمع) نامیده شده بود.

⁶ Frédéric Ewen. Bertholt Brecht – Sa vie, sont art, son temps, seuil 1989.

«در دسامبر ۱۹۴۹، در شتوتگارت،⁷ Süddeutscher Rundfunk برای پخش «پرواز لیندبرگ ها» از برشت درخواست اجازه می کند. برشت در نامه ای به تاریخ ۳ جولای ۱۹۵۰ پاسخ می گوید که به دلیل رفتار و تمایلات فاشیستی لیندبرگ تیتز این نمایشنامه باید تصحیح شود و به این ترتیب «پرواز لیندبرگ ها» به «پرواز بر فراز اقیانوس» و در هر کجائی که «لیندبرگ ها» در متن دیده می شد به «هوانوردان» یا «خلبانان» تغییر می کند»^۸



www.alamy.com - E1CWJ7

هرمن گورینگ مدالی به نام آدولف هیتلر به چارل لیندبرگ هدیه می کند. عکس به تاریخ ۲۸ جولای ۱۹۳۶ گرفته شده است.

درباره «بن مایه های دینی در نمایشنامه های آموزشی برتولت برشت» نوشته هانس تی یس لهماں استاد مطالعات دراماتیک در المان به ترجمه حسن پیر نجم الدین

باید بگویم که بی دلیل نبوده است که این استاد دانشگاه ایرانی رفته و به قول معروف بین پیغمبرها جرجیس را انتخاب کرده و به استناد مقاله هانس تی یس لهماں به این نتیجه رسیده است که نمایشنامه آموزشی نسبتی با عشاء ربانی در سنت کلیسایی دارد و با انگیزه جست و جوی «نقش مایه قدرتمندی از معنویت دینی» در «تأثر مدرن اروپائی دهه های اخیر» روی ترجمه آن به زبان فارسی نیز پافشاری کرده است.

⁷ نام یک رادیو که امروز دیگر وجود ندارد. بر اساس ویکیپدیا در سال ۱۹۹۸ در یک رادیوی دیگر به نام Südwestrundfunk (SWR) ادغام شده است.

⁸ Fred Fischbach. L'Evolution politique de Bertolt Brecht de 1913 à 1933. PUL. 1976. P.162. Note 136
فرد فیشبک . سیر تحول سیاسی برتولت برشت از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۳. انتشارات دانشگاهی لیل.

پس از خواندن بخشی از این مقاله که واقعاً برای من بی شباهت به شکنجه روانی نبود، سعی کردم ببینم این استاد ایرانی کیست (به این علت که نمی توانستم درباره خود نویسنده کسب اطلاع کنم چون که زبان المانی نمی دانم)، و خیلی زود از سایت «نوریاب» که ویژه علوم اسلامی است سر در آوردم.

پیش از این سروکارم به روانشناسی اسلامی افتاده بود... به طور کلی گویا در ایران جریانی در دانشگاه ها به راه افتاده تا برای هر علمی و خاصه علوم انسانی یک معادل اسلامی پیدا کنند. (همانگونه که برخی از شخصیت های رسانه ئی اسلام در ایران مانند حسن عباسی سعی می کنند ساخت ساز، انسجام، فرهنگ، هست و نیست و علت وجودی ایرانیان امروز را به حضور امامزاده ها در ایران گره بزنند). مثل این است که ما بخواهیم از گاو نر شیر بدوشیم، روشن است که چنین کاری ممکن نیست و غالباً به نتایج انحرافی می انجامد^۹. علم و دین دو مقوله کاملاً متفاوت و متضاد هستند، بی گمان دین به قطب نما توجه نشان می دهد ولی فقط برای پیدا کردن جهت قبله. علم خوب و شایسته است تا جایی که ما را به خدا نزدیک کند و جالب اینجاست که علم حتماً باید ما را به خدا نزدیک کند ولی نمی توانیم بگوئیم که علم موجب اعتلای دین می شود، چون که از دیدگاه دین و دین داران متعالی تر از دین وجود ندارد، ولی علم می تواند در حد دین اعتلاء باید در غیر این صورت علم نخواهد بود. علم باید علم توحیدی باشد. و دقیقاً روی همین نقطه است که می توانیم توقف شناخت و سپس پیشرفت را مشاهده کنیم. علم حتماً باید منطبق بر شناخت دینی (بخوانید شبه شناخت) شود. با این حساب که همه چیز در کتاب آسمانی گفته شده و هیچ کشف و اختراعی نیست که موجب شگفتی مؤمنین شود... این بحث غم انگیز را به حال خود رها می کنیم.

درباره مقاله مورد نظر ما در اینجا، آنانی که درباره نمایشنامه های آموزشی در اینترنت جست و جو می کنند، به احتمال خیلی قوی آن را پیدا خواهند کرد، ولی من در اینجا به این پژوهندگان احتمالی هشدار می دهم که این مقاله سرا پا اشتباه است و این استاد المانی چیزی از برتولت برشت درک نکرده است و فقط می تواند نمونه ای از درک اشتباه از نظریه نمایشنامه آموزشی و برداشت اشتباه از این دسته از آثار نمایشی برتولت برشت باشد. در اینجا به یکی دو مورد اشاره خواهم داشت و سپس چند برگ از یک پژوهش دانشگاهی ارزشمند نوشته فرد فیشباک^{۱۰} را برای روشنتر کردن مطالب ترجمه می کنم.

در بخش ۲، چنین می گوید: «... نمایش را به اعمالی چون دعا، مراسم ترحیم و عشاء ربانی نزدیک می کند... زیرا نمایش هم نمایاندن است، البته برای آنان که انجامش می دهند، نه برای مخاطبان علاقه مند به زیبایی شناسی، «مخاطبان» مراسمی نمادین، مخاطبان اشکال مذهبی تئاتر دغدغه زیبایی شناسانه ندارد، بلکه خود شرکت کننده اند، آنان نیز در کنش پرستش دخیل اند.»

ولی تفاوت بین عشاء ربانی و نمایشنامه آموزشی در وحله نخست مربوط است به متن مراسم مذهبی که همیشه با جملات ثابتی تکرار می شود و با پیش فرض ها و اعتقادات از پیش تعیین شده، در حالی که متن نمایشنامه آموزشی صرفاً به عنوان الگوی اولیه مطرح بوده و می تواند در تمرین نمایشنامه تغییر کند. در مراسم دینی شرکت کنندگان به اصول یگانه و از پیش تعیین شده و جهان فرا زمینی اعتقاد دارند (گرچه به قول مارکس « مذهب نه در آسمان بلکه

^۹ درباره نتایج انحرافی روانشناسی اسلامی مراجعه کنید به پاورقی شماره ۱ و ۲ در مقاله « ناجیان جهان و عقده طرد شدگی. بتمن، سوپرمن، ژوکر، دراکولا، زال، رستم، سهراب، موسی، مسیح، محمد...». با استفاده از تیتلر در گوگل جست و جو کنید.

^{۱۰} Fred Fischbach. L'Evolution politique de Bretolt Brecht de 1913 à 1933. PUL. 1976. P.162. Note 136

فرد فیشباک. سیر تحول سیاسی برتولت برشت از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۳۳. انتشارات دانشگاهی لیل. این پژوهشگر فرانسوی به دلیل دسترسی به منابع دست اول به زبان المانی، هوشمندی روش شناسانه و درک صحیح از کار برتولت برشت کار بسیار ارزشمندی به زبان فرانسه انجام داده

روی زمین زندگی می‌کند»¹¹، در حالی که نمایشنامه‌های آموزشی بیشتر به عنوان تمرین فکری مطرح می‌باشد. در «پرواز بر فراز اقیانوس» موضوع پیروزی فنی و تسلط انسان بر طبیعت مطرح می‌شود، پیروزی در زمینه‌ای که هیچ سابقه‌ی پیروزمندانه نداشت. ولی پیروزی فنی به تنهایی کافی نیست و برتولت برشت در پایان می‌گوید:

«بی آن‌که فراموش کنیم که چه کاری هنوز ممکن خواهد بود

این گزارش برای دستیابی به چنین اهدافی عرضه می‌شود.»

به این معنا که پیروزی فنی فقط می‌تواند به عنوان زمینه‌ی پیروزی‌های بعدی مطرح باشد و «دستیابی به چنین اهدافی» یعنی همان کاری که هنوز بر جامانده یعنی آرزویی که هنوز اتوپی به نظر می‌رسد، و یعنی دستیابی به جامعه‌ی سوسیالیستی. در «اهمیت موافق بودن» هواپیما سقوط می‌کند، و به نوعی پیروزی فنی زیر سؤال می‌رود. پیروزی‌های فنی همه فناپذیراند و باید آن‌ها را رها کنیم و به پیروزی‌های فنی جدید تری دست یابیم. با این حساب که پیروزی‌های فنی فقط در شرایط حل تضاد اصلی اجتماعی می‌تواند پیروزی واقعی باشد، ولی نه در مفهومی که هانس تی‌یس لهماً از برتولت برشت درک کرده است خصوصاً می‌گوید «حتا در بزرگترین پیشرفتهای بشری محکوم می‌کند، مباحثات و توفیق شخصی را به دیده تردید می‌نگرد...»

برداشت نویسنده از نظریات برتولت برشت کاملاً اشتباه است. ابتداء باید دانست که برتولت برشت کمونیست است (و یا سعی می‌کند کمونیست باشد) و هرگز هدفش نفی توفیق شخصی نبوده، بلکه پافشاری برشت روی وجهه اجتماعی کار در جهان ماست و این که یک عده نیروهای مولد یعنی نیروی کارگران ماهر و ابزارکارها یعنی ماشین و کارخانه را به ملک خصوصی خودشان تبدیل نکنند.

و یا وقتی که هانس تی‌یس لهماً می‌گوید: «بشر دقیقاً در تلاش و به خاطر کوشش برای از میان برداشتن ریشه‌ی تمام محدودیتها و موانع بر سر راه دستاوردهای ناب انسانی و استیلا بر نیروهای طبیعت و بر سرنوشت است که با شکست، فاجعه، فروشکنی، انقطاع، سقوط و تناقض حل ناشدنی روبرو می‌شود.»

نویسنده به دیالکتیک دو نمایشنامه «پرواز بر فراز اقیانوس» و «اهمیت موافق بودن» یعنی پیروزی فنی در نمایشنامه اولی و شکست فنی در نمایشنامه دوم توجهی ندارد.

و همان گونه که در بالا اشاره کردم، پیروزی‌ها در سیر تکاملی ست که اهمیت خود را باز می‌یابد و تناقضی که نویسنده به آن اشاره می‌کند، به هیچ عنوان به شکست فنی محدود نمی‌شود بلکه تناقض به همان کاری مربوط است که بر جامانده، یعنی عبور از تناقضات جامعه طبقاتی و سرمایه داری.

و درباره‌ی زیبایی شناسی وقتی لهماً می‌گوید «نه برای مخاطبان علاقه مند به زیبایی شناسی، «مخاطبان» مراسمی نمادین، مخاطبان اشکال مذهبی تئاتر دغدغه زیبایی شناسانه ندارد...» فقط به این علت است که او از زیبایی شناسی برتولت برشت بی اطلاع است. زیبایی شناسی نزد برتولت برشت مانند هر هنرمند اصیل دیگری به شناخت و عملکرد اجتماعی (بخوانید عملکرد پدراانه) در راستای منافع توده‌ها و با تحقق والاگرائی تعریف می‌شود. زیبایی شناسی برتولت برشتی می‌خواهد کارگاهی باشد برای انسان تا سرنوشت خود را آگاهانه و با بهره برداری از شناخت به دست بگیرد و چنین شناختی مانند شبه شناخت در دین و مذهب مقوله‌ای ثابت و داده‌ای متوقف شده نیست و پیوسته در روندی گسترش یابنده تحول پذیر است. گرچه دین نیز همگام با منافع طبقات حاکم و مناسبات تولیدی تحول می‌یابد ولی

¹¹ Marx, Egels. SUR LA RELIGION. Editions Sociales, Paris 1972.p 7

تحولات دینی خیلی به کندی صورت می گیرد، برای این موضوع کافی ست یادآوری کنیم که واتیکان تنها در اواخر قرن گذشته کشف گالیله را به رسمیت شناخت، در حالی که اسلام هنوز نظام برده داری را نفی نکرده است. من موقتاً از ادامه بحث درباره مقاله هانس تی بیس لهما صر فنظر می کنم ولی برای روشنتر بیان کردن نظریات برشت در کنتراست با برداشت لهما دو بخش از صفحات پژوهش ارزشمند فرد فیشباک¹² را برای این گسترش این بحث مناسب و ضروری می دانم : زیر عنوان « امریکا گرانی – پایان یک اسطوره » که می تواند پاسخی باشد به بحث لهما و موضوع پیروزی و شکست فن آوری، صعود و سقوط هواپیما در دو نمایشنامه آموزشی، و دومین بخش زیر عنوان « نخستین نمایشنامه های آموزشی – نقد دین». در اینجا توجه خوانندگان را به این دو بخش که در ذیل به فارسی ترجمه کرده ام جلب می کنم.

ادامه دارد

¹² به پاورقی شماره ۶ مراجعه کنید